به بهانه رحلت آیت‌الله‌العظمی منتظری

دریغ از بزرگی که قدرناشناخته ماند!

دکتر غلامعلی رجایی ـ اصولگرا و از اعضای ارشد سابق سپاه پاسداران و از فرماندهان سابق دفاع مقدس

خبـر مهم این روزهـا و به نظر من روزهـا و ماه‌های بعـد خیلـی خلاصه اسـت: آیت‌الله‌العظمی منتظری از دنیا رفـت و چه خبر دهشـتناکی! ساعت شش بعد از ظهراست و من عازم منزلم که کسی از دفتر روزنامـه اعتماد تلفن می‌زند و از من می‌خواهد در باره ایشان یادداشـتی بنویسـم. چقدر از خودم خجالت می‌کشم که باید در باره کسـی قلم بزنم که از اولین‌های دخیل درشکل‌گیری این جمهوری است؛ کسی که در ٤ جلد کتاب که در باره ولایت فقیه نوشـت این معنا را بیش از هرکس دیگر به مردم شناساند. فقیهی که امام بعد از برکناری ایشان از قائم مقامی خود به ایشان توصیه کرد هرچند او دیگر سمت دولتی ندارد، اما امید است بتواند حوزه‌ها را گرمی ببخشـد، اما دریغ و درد که کسی به این فراز از پیام امام توجه نکرد. اما اکنون دیگر او از آن همه تهمت و افترا و دشنام و محدودیت‌های تحمیلی که به آن دچار شد رها شده و به جوار دوست پر کشید. هرکس اخبار ساعت دو بعداز ظهر سیمای جمهوری اسـلامی امروز یک‌شنبه ۲۹ آذر ۱۳۸۸ را دیده و شنیده باشد به مظلومیت این فقیه بزرگ در این سال‌ها گواهی خواهد داد. رسـانه ملی بعضی‌هـا! در خبر پنجم خود بعـد از اعلام وضعیت آب و هوا و بعد از نشـان دادن کشته های یمن! بدون نشان دادن عکس یا تصویری از این مرجع که برای اسلام زحماتی کشید که بر خیلی‌ها ناشناخته مانده است گفت که آیت‌الله منتظری در سن هشـتاد و هفت سالگی از دنیا رفت. همین، بدون هیچ ذکر تسلیتی لااقل به خانواده مرجع و شهیدداده‌ای مانند شـهیدمحمد منتظری که امام او را در نامه‌ای به پدرش محمد ما و شما می‌نامید!

تا به منزل می‌رسم فرزندم علی‌آقا که دانشجوی مکانیک اسـت با ناراحتی می‌گوید این چه مسلمانی است که بعضی‌ها دارنـد؟ و ادامه می‌دهد بر و بچـه های [...] دانشگاهی که او درآن تحصیل می‌کند این ضایعه را به هم تبریک می‌گفته‌اند! نمی‌دانم این برادران با شنیدن پیام تسلیت رهبری به مناسبت این ضایعه جبران‌ناپذیرچه خواهنـد کـرد؟! و من که امروز بـا پرهیز بعضی‌ها و الحذرهای دوسـتان روبه‌رو بودم که می‌گفتند مبادا در این باره چیزی بنویسـی و برای خودت و ما! دردسـر درست کنی، در نوشتن این سطور شتاب‌زده مصمم‌تر شـدم و بر حال ایشان گریسـتم که کار به کجا رسیده اسـت که دوسـتانی ناصح مرا از قلم زدن در باره این مرجع عالی‌قدر این‌گونه بر حذر می‌دارند! انا لله وانا الیه راجعون و حقیقتا جای استرجاع دارد!

دامنـه مظلومیـت مراجـع در این نظام اسـلامی تا به کجاست؟ فقیهی بزرگ و بزرگ‌پرور که در جهان اسلام کم‌تر نظیر او یافت می‌شد از دنیا رفته است وآن وقت سـیمای ملی بعضی‌ها! حداقل به اندازه یکی از همین هنرپیشه‌ها وموسیقی‌دان‌ها وهنرمندهای درگذشته در این روزها برایش قدری نشناخت که در اخبار ساعت ١٤ لااقـل عکس یا تصویـری را از او نشـان دهد یا ارتحال این مرجع عالی‌قدر رابه مقلدانش که در تشییع او خواهند آمد و نشان خواهند داد چه مقدارند تسلیتی بگوید! اکنون او که از محدود و معدود شاگردان آیت‌الله بروجردی بود از دنیای ما رفته وبه حق پیوسـته است بی‌آن‌که کسی بداند فرزند امام مرحوم حاج‌سیداحمدآقا که آن رنجنامه را به او نوشت دراواخر عمرخود با او چه روابط صمیمانه‌ای برقرار کرده بود! یکی از دوستان برای من تعریف می‌کرد که وقتی برای کسـب نظر از ایشان در مورد مرجع تقلید خود به دفتر امام در جماران رفته بود از ایشان شنیده بود که از آیت‌الله منتظری تقلید کند چون ایشـان فقط آیت‌الله منتظری را اعلم می‌داند. این دوست مبارز قبل از انقلاب می‌گفت در آن دیدار شاهد بوده وقتی کسی به دفتر امام تلفن زده و همین سؤال را از برادری روحانی که تلفن‌های شرعی مردم را جواب می‌داده پرسیده بود و او از مرحوم حاج‌احمدآقاپرسید که چه جواب سؤال‌کننده را بدهد؟ ایشان خود شخصا گوشی تلفن را به دست گرفت و گفت از آیت‌الله منتظری تقلیدکنید. چند ماه پیش که با دکتر عیسی ولایی داماد مکرم آیت‌الله توسـلی گفت وشنودی داشتم می‌گفت مرحوم حاج‌احمدآقا فرزند امام به خود او گفته بود در مجلس ترحیمی در قم نشسته بوده که آیت‌الله منتظری به آن مجلس وارد شـده بودنـد، مرحوم حاج‌احمدآقا می‌گفت می‌خواسـتم از جا بلند شوم و به پیش ایشان بروم ودست‌شـان را ببوسم، امابا خود گفتم مردمی که آن رنجنامه مرا به ایشـان خوانده‌اند خواهند گفت این عجب آدم ... است! لذا متأسـفانه ازاین کار خودداری کردم. چند ماه پیش یکی از دوسـتان قبل از انقلاب که اکنون از همه جا رانده و مانده شده است! می‌گفت در سـال ۱۳٦۵دردیداری با عده‌ای به حضورشان رسیده و بـا توجه به این‌که ایشـان گاه و بی‌گاه از ذکر برخی واقعیت‌ها نظیر [...] در زندان‌ها و... سـخن می‌گفت و امام از طرح آشکار این مسائل رنجیده می‌شد- چه امام معتقد بود با علنی کردن این مسائل دشمنان سوء استفاده می‌کنند- به ایشان خیرخواهانه پیشنهاد کردند با توجه به این که امام بر اسـاس مستندات پزشکی حداکثر تا دوسـال دیگر بیش‌تر زنده نیست، شما این مسائلی را که در باره اشکالات موجود در نظام مطرح می‌کنید و با طرح آن‌ها ایشان را می‌رنجانید و آزرده می کنید مطرح نکنید تا بعد که امـام از دنیارفتند آن وقت چون رهبر هستید هرگونه که صلاح دانستید عمل کنید و اشکالاتی را که تشخیص می‌دهید برطرف نمایید، که ایشان با رد این پیشنهاد با ذکر روایتی از امیرالمؤمنین فرموده بودند

خاوه قم ـ دیدار آیت ا... شبیری زنجانی با آیت ا... منتظری به منظور مشورت در باره مسائل پس از انتخابات اخیر ریاست جمهوری - تابستان ۱۳۸۸

از نجف‌آباد تا زنجان

❖ علی‌اشرف فتحی زنجانی ـ فرزند سردار شهید محمدرضا فتحی ❖

زمانی که اعلام شد قرار است حضرت آیت‌الله العظمی سیدموسـی شـبیری زنجانی بر پیکر مرحوم آیت‌الله العظمی منتظری نماز بخواند، خیلی‌ها که از رابطه این دو مرجع نامدار معاصر بی‌خبر بودند از شنیدن این خبر که قرار است امام جماعت حرم حضرت معصومه(س) و مدرسـه فیضیه و اسـتاد متبحر حوزه علمیه نماز را بخواند شـگفت‌زده شـده بودند، اما آن‌ها که در متن تحولات بوده و یا خود را در محدوده رسانه‌های رسمی محصور نکرده بودند سال‌ها بود می‌دانستند که آیت‌الله شبیری زنجانی از دوستداران و حامیان جدی مرحوم آیت‌الله منتظری بوده و در جریان حصر خانگی وی در سـال‌های ٧٦ تا ٨١ تلاش بسیاری کرد تا با بهره‌گیری از نفوذ خود در میان بزرگان نظام از اسـتاد کهن‌سـال و صاحب‌نام حوزه رفع حصر شـود. آیت‌الله زنجانی هم‌چنین از نخستین کسـانی بود که بلافاصله پس از رفع حصر از فقیه فقید شیعه به دیدار او رفت و او را در آغوش گرفت. در هفت سال پایانی عمر مرحوم آیت‌الله منتظری نیز پیاپی به دیدن او می‌رفت و از او دل‌جویی و احوال‌پرسی می‌کرد. بسیاری از مقلدان مرحوم آیت‌الله منتظری می‌دانستند که مرجع تقلیدشان نگاه ویژه‌ای به آقاموسـی زنجانی دارد و احتیاطات فقهی‌اش را به او ارجـاع می‌دهد. برای آن‌ها کـه از این رخدادها مطلع بودند گمانه‌زنی در باره کسـی که قرار اسـت بر پیکر آیت‌الله منتظری نماز بخواند کار چندان دشواری نبود. آیت‌الله زنجانی از نخستین کسانی بود که با شنیدن خبر رحلت ناگهانی فقیه عالی‌قدر در بیت وی حضور یافت و به خاندان وی تسـلیت گفت. او هم‌چنین نخستین مرجع تقلیدی بود که برای برپایی مجلس ترحیم اعلام آمادگی کرد. هرچند به دلیل فضای خاص امنیتی ایجاد شده پس از تشییع جنازه، برپایی چنین مجلسی مقدور نشد و آن‌ها که روز تشییع جنازه را «دوشنبه سیاه تاریخ قم» نامیدند، صریحا در برابر بیت و حسینیه آن مرحوم اعلام کردند که اجازه برپایی مراسـم هفتم و چهلم را نخواهند داد. اما همه این تنش‌ها را می‌شـد از سال‌ها پیش حدس زد و پیش‌بینی نمود. در طی سـه سـال گذشته چندین بار شایعه درگذشت آیت‌الله منتظری در سـطح وسیعی منتشر شد و همه به خوبی می‌دانستند که تشییع جنازه و مجالس ترحیم این روحانی مبارز به یکی از چالش‌های جدی بدل خواهد شد. آخرین بار در شب ۱۳خرداد امسال بود که شایعه درگذشت وی در برخی سایت‌ها و محافل پیچید و بلافاصله تکذیب شد. همه این‌ها - هرچند در ابعاد محدودتری - قابل پیش‌بینی بود و از این رو اقدام آیت‌الله العظمی زنجانی در پذیرش اقامه نماز بر پیکر آن مرحوم را باید اقدامی سـتودنی و شجاعانه دانست. از قدیم‌الایام در حوزه‌ها رسم بوده که اقامه نماز بر پیکر یک مرجع تقلید برجسته و صاحب‌نام به معنای جانشینی مرجع نوگذشته است و اکنون باید آیت‌الله زنجانی را جانشـین دینی مرحوم آیت‌الله منتظری برای مقلدانش بدانیم. آیت‌الله شبیری زنجانی که اکنون در آسـتانه ۸۲ سالگی است همواره از آیت‌الله منتظـری به عنوان فقیه اعلم و اعدل قم نام می‌بـرد و همه را به تقلید از او تشـویق می‌کرد. او در جریان تحولات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری در کنار مرحوم آیت‌الله منتظری به انتقاد(هرچند غیرعلنی) از برخوردهای صورت گرفته با معترضین می‌پرداخت و رایزنی وی با آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی و گریه وی به خاطر کشته شدن برخی معترضین از اخبار مهم هفته‌های نخست اعتراضات بود.

اما آیت‌الله زنجانی هنگام دفن مرحوم آیت‌الله منتظری نیز شدیدا گریست؛ آن‌گاه که یکی از شاگردان نزدیک آیت‌الله منتظری به آیـت‌الله زنجانی گفت که مرحوم آیت‌الله منتظری بسـیار دوست داشت که اجازه دهند کنار فرزند شهیدش محمد منتظری در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه(س) دفن شود و تقدیر چنین بود که با مسـاعدت آیت‌الله خامنـه‌ای و تولیت حرم مطهر، آیت‌الله العظمی منتظری که در سال‌های جنگ از او به عنوان «فقیه عالی‌قدر» و «منتظری نسـتوه» یاد می‌شد در کنار شهید محمد منتظری و مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت آرام گرفت و اکنون مقلدان فقهی او به

قم منزل آیت ا... منتظری

سوی آیت‌الله شبیری زنجانی روی آورده‌اند تا جایگاه حوزوی فرزند خلف مرحوم آیت‌الله العظمی سیداحمد زنجانی مستحکم‌تر از گذشته شود.

چه کسـی جانشـین فقی آیت‌الله العظمی منتظری است؟

اینک با رحلت آیت‌الله العظمی منتظری این پرسش برای بسیاری از مقلدین وی مطرح شده که پس از وی باید از کدام یک از مراجع تقلید شیعه تبعیت کنند؟ اگرچه مرحـوم آیت‌الله منتظری هم‌چون بسـیاری از فقها و مراجع تقلید شیعه فرد خاصی را به عنوان جانشین خود تعیین نکرده است، اما به نظر می‌رسد که مقلدین وی میان چهار مرجع تقلید تقسیم شوند. از سویی با توجه به مقبولیت بالای آیت‌الله صانعی در میان دانشگاهیان و فعالان سیاسی، بخشی از مقلدین مرحوم منتظری به وی رجوع خواهند کرد. از سوی دیگر نیز با توجه به عنایت ویـژه آقای منتظری به جایـگاه علمی حضرات آیات عظام سیدموسی شبیری‌زنجانی(shobeyri)، سیدعلی حسینی‌سیستانی و حسین‌وحیدخراسانی بخش‌وسیعی از بدنه سنتی و حوزوی مقلدان آقای منتظری تابع آرای فقهی این سه مرجع تقلید خواهند شد.

خموش پرسخن

در ایـن میان آیت‌الله زنجانی جایگاه ممتازتری دارد و به واسطه نزدیکی دیرینه‌اش با مرحوم آیت‌الله منتظری مقبولیـت بیش‌تری میان طیف سـنتی حامـی آقای منتظری داشـته است. وی از دیرباز و حتی در بدترین شـرایط، تلاش‌های فراوانی برای رفع محدودیت‌های آقای منتظری انجـام داد و تعامل علمی نزدیکی با آن مرحوم داشـت. از آن‌جا که رهبری نیز احترام ویژه‌ای بـرای آقای زنجانی قائل بوده و هسـت و فرزندان او از شـاگردان آیت‌الله زنجانی بوده‌اند، نقش این مرجع تقلید در رفع حصر آقای منتظری بسـیار برجسته بود و پس از رفع حصر نیز او از نخسـتین کسانی بود که به دیـدن مرحوم منتظری رفت. آیـت‌الله منتظری در صفحه ۷۷۷ جلد نخسـت خاطرات خـود به نامه‌ای اشـاره کرده که آیت‌الله زنجانـی در اعتراض به حصر مرحوم منتظری به رهبری نوشته است. آیت‌الله شبیری هم‌چنین در جریان برخوردهای خشن با معترضین به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر مذاکراتی با برخی مراجع تقلید قم هم‌چون مرحوم آیت‌الله‌العظمی منتظری و آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی داشـت و نسبت به کشته شدن برخی معترضین بسیار معترض بود. اقامه نمـاز بر پیکر آیـت‌الله منتظری نیز وزنـه حوزوی و اجتماعی آیت‌الله زنجانی را سنگین‌تر کرد. اما همه این نقش‌آفرینی‌ها سبب نشده که آیت‌الله زنجانی در میان مردم چهره شناخته شده‌ای باشد. وی شخصا هیچ‌گاه علاقه‌ای به ورود به وادی مرجعیت نداشت و آمدن نام او در لیسـت معروف جامعه مدرسین هم سبب نشد کـه او به ملزومات مرجعیت گردن نهد. او تنها مرجع تقلیدی اسـت که بساط پرداخت شهریه برای طلبه‌ها در قم برپا نکرده، هیچ سـایتی برای ترویج مرجعیت خـود ندارد، دفتر و بیت به معنـای واقعی آن ندارد و تنها به تدریس مشغول بوده و توانسته به عنوان یکی از مهم‌ترین و فنی‌ترین استادان فقه حوزه علمیه قم مطرح شـود. مباحث هر روز وی تایپ می‌شـود و در قالب جزوه‌ای در جلسه بعد در اختیار طلاب قرار می‌گیرد. طلبه‌های درسخوان و محقق قم او را خودمانی‌تر صدا می‌کنند و با نام «آقا موسی» می‌شناسندش. آقا موسی با وجود آن‌که ۸۱ سال پیش در شهر قم به دنیا آمده است، اما شخصیت و روحیات او کاملا شبیه زنجانی‌هاست و همین می‌تواند نشان‌دهنده تأثیرگذاری عمیق پدرش مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیداحمد زنجانی باشد. او نیز هم‌چون پدر و سـایر علما و شـخصیت‌های زنجانی چندان علاقه‌ای نداشـته که نامش بر سر زبان‌ها باشد. همه اثرگذاری‌ها و فعالیت‌های علمی و اجتماعی‌اش را بدون سر و صدا پیش برده و از رسانه‌ای شدن ابا داشته است. ترجیح داده که زندگینامه‌ای از خود منتشر نکند و حتی انتشار رسـاله عملیه او نیز تابع چنین روندی بوده اسـت. همین امر سبب شده که او تنها در زادگاه پدرانش(زنجان) و یا بین برخی خواص مقلدانی داشته باشد.

درباره پدر

مردم قم آقای زنجانی را به عنوان امام جماعت نمازهای صبح و مغرب و عشـای حرم حضرت معصومه و نیز امام نمازجماعت ظهر و عصر مدرسه فیضیه می‌شناسند. او سال‌هاست که به جای پدرش مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیداحمد زنجانی در این دو مکان مقدس نمازجماعت پرجمعیتی را امامت می‌کند. پدرش نیز با وجود جایگاه علمی و اخلاقی برجسـته‌ای که داشت، هیچ‌گاه وارد وادی مرجعیت نشد. مرحوم سیداحمد زنجانی که در نمازجماعتش بزرگانی هم‌چـون امام خمینی همواره شرکت می‌کردند. آن‌گونه که مرحوم آیت‌الله منتظری در صفحـه ۹۹ جلد اول خاطرات خود آورده اسـت، مرحوم سیداحمد زنجانی در ایام زعامت دینی مراجع ثلاث(حضرات آیات حجت، صدر و خوانساری) که پیـش از حضور آیت‌الله‌العظمی بروجـردی در حوزه علمیه قم متصدی مرجعیت بودند، همراه امام خمینی از مجتهدینی بود که از طلبه‌ها امتحان می‌گرفتند و به عنوان «ممتحن» شناخته می‌شـدند. هم‌چنین آیت‌الله منتظری در صفحه ۲۰۰ همان کتاب به مباحثه‌های سه نفری حضرات آیات امام خمینی، سیدمحمد محقق‌داماد و سیداحمد زنجانی در مدرسه فیضیه اشاره کرده است. دوستی امام خمینی و آیت‌الله سیداحمد زنجانی بسیار دیرینه و صمیمانه بود. آن‌ها شـوخی‌های دوسـتانه و خودمانی زیادی با هم داشته‌اند که برخی از آن مطایبه‌ها را فضـلای قدیمی‌تر قم نقل می‌کننـد. آن‌ها با هم به پیاده‌روی می‌رفته‌اند و گعده‌های زیادی داشته‌اند. اواخر عمر سیداحمد زنجانی با شروع مبارزات امام هم‌زمان شـد و این فقیه اخلاقی در کنار امام خمینی و سـایر مراجـع تقلید قم بیانیه معروف ۹ نفره مراجع قم علیه عملکرد رژیم را امضا کرد. سیداحمد زنجانی وقتی در آبان سال ۱۳۵۱شمسی درگذشت از خود سه پسر به جا گذاشت: سیدموسی که جای پدر را سال‌ها بعد پر کرد، سیدجعفر که سال‌هاست از قضات باسابقه دیوان‌عالی کشـور است و سیدابراهیم که چند سال بعد از پدر در یک سانحه رانندگی درگذشت. دختر سیداحمد نیز با آیت‌الله سیدابوالفضل میرمحمدی ازدواج کرد که اکنون از اعضای قدیمی جامعه مدرسـین است و پدر دکتر میرمحمدی نماینده سابق قم و معاون هاشمی‌رفسنجانی در زمان ریاست‌جمهوری‌اش.

فـقیه آسان‌گیر، منتقد و متنفذ

سیدموسـی از همان دوران حیات پـدر و پابه‌پای او در مبـارزات روحانیت حضور داشـت و نامـش در چند اعلامیه و نامه سرگشاده مشهور علیه مقامات وقت دیده می‌شـود. آیت‌الله منتظری به خاطر دارد که آقاموسی در کنار امام موسی صدر و شهیدبهشتی از شاگردان خوب مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد داماد بوده‌اند.(خاطرات آیت‌الله منتظری، ج۱، ص ٤٤١)

آقاموسـی از دهـه چهل به یکی از اسـتادان برجسـته مدرسـه حقانی بدل شد و شـاگردان بسیاری را تربیت کرد. سیدمحمد خاتمی رییس‌جمهور پیشین ایران یکی از افتخـارات دوران طلبگی خود را حضـور در درس آیت‌الله زنجانـی می‌داند و از همان زمان تا کنون روابط صمیمانه‌اش را با اسـتادش حفظ کرده است. آقاموسی در کنار فعالیت‌های فشرده علمی خود که به تبحر بالای وی در علوم مختلفی چون فقه، اصول و حدیث انجامید، فعالیت‌های سیاسـی‌اش را هم بدون سـر و صدا و در حاشـیه انجام می‌داد. مرحوم آیت‌الله احمدی‌میانجی در صفحه ۲۹۰ خاطراتش گفته اسـت کـه روز ورود امام خمینـی به ایران در ۱۲بهمن ۱۳۵۷ به همراه آقاموسـی زنجانی و مرحوم آیت‌الله سـیدمهدی روحانی در برابر دانشـگاه تهران ساعت‌ها منتظر رسـیدن ماشین حامل امام خمینی بوده‌اند و روز بعد برای دیدن امام به مدرسه رفاه رفته‌اند. آیـت‌الله احمدی‌میانجی به یاد می‌آورد که امام خمینی نه آیت‌الله زنجانی را شناخته بود نه آیت‌الله روحانی را؛ چرا که آن‌ها را بیش از ١٤سال قبل دیده بود. آقاموسـی پس از انقلاب ترجیح داد که به فعالیت‌های حـوزوی ادامه دهد و زمزمه اعـلام وی به‌عنوان مرجع تقلید در اواخـر حیات مرحـوم آیت‌الله‌العظمی اراکی قوت گرفـت. او از آذر ۱۳۷۳هم‌زمان با ٦ فقیه دیگر از سـوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان مرجع تقلید معرفی شـد، اما همان‌گونه که گفته شد خود وی هیچ‌گاه مرجعیت را جـدی نگرفت و ترجیح داد روند عادی تدریس و تحقیق را ادامه دهد. آقاموسی اکنون در شمار مراجع تقلید بزرگ شیعه قرار گرفته و تبحر ویژه وی در علم رجال، دقت‌هـای روایی وی و اعتقاد او به «عـدم حجیت خبر واحد» او را به عنوان یکی از مراجع و فقهای ممتاز در مکتب قم مطرح کرده است. او اگرچه محضر علمای بزرگ نجف را نیز درک کرده است و در درس خـارج خود نیز عنایت ویژه‌ای به آرای حضرات آیات عظام حکیم و خویی دارد، اما نگاه انتقادی پررنگ او در مباحث اصولی و فقهی در کنار اعتقاد وی به «نظریه انسـداد» در علم اصول فقه، عمل به فتـاوای او را برای مقلدانش آسـان‌تر کرده است.او نیز هم‌چون بسیاری از هم‌تایانش به قلمرو گسترده اختیارات حکومتی برای فقها معتقد نیسـت و این را در مباحث خود پنهان نمی‌کند. اما هیچ‌گاه نخواسـته که انتقادات و اعتراضات او جنبه علنی و انقلابی به خود بگیـرد. او عمیقا به رایزنی‌ها و چانه‌زنی‌های پشت‌پرده باور دارد و چندین بار نیز از این روش به نتایجی رسیده است. شاید حمایت از آیت‌الله منتظری تنها فعالیت سیاسی آشکار و بی‌پرده او بوده که از او یک پشت‌وپناه قابل اتکا برای بیت این مرجع فقید شیعه ساخته است.

خاوه قم ـ دیدار آیت ا... شبیری زنجانی با آیت ا... منتظری به منظور مشورت در باره مسائل انتخابات اخیر ریاست جمهوری - تابستان ۱۳۸۸

گفتم اگر شهید مطهری بود ...

آیت‌الله منتظری نزدیک‌ترین دوست و یار شهید آیت‌الله مطهری بود

دکتر علی مطهری- فرزند شهید مطهری و اصولگرا

رحلت فقیه عالی‌قدر آیت‌الله حسینعلی منتظری ثلمه‌ای در اسـلام وارد کـرد که هیـچ چیـز جایگزین آن نیسـت. آیت‌الله منتظری نزدیک‌ترین دوست و یار شهید آیت‌الله مطهری بود. این دو بزرگوار ۱۱سال در مدرسه فیضیه هم مباحثه بودند، هشت سال شاگرد مرحوم آیت‌الله بروجردی در فقه و اصول بوده و دو شاگرد برجسته آن مرجع تقلید به شـمار می‌رفتند. هم‌چنین ایـن دو یار دیرینه در کشف شـخصیت امام خمینی(ره) و شناساندن آن عزیز به حوزه علمیه قم نقش اساسـی داشتند. ۱۲سال در محضر آن حکیم فرزانه فلسفه الهی را تلمذ کردند و سپس با پایه‌ریزی درس اصول فقه امام خمینی، مقدمات مرجعیت ایشان را فراهم کردند و دو شاگرد مبرز امام محسوب می‌شدند. هر دو بزرگوار چند سالی در درس الهیات شفای ابن سینای مرحوم علامه طباطبایی شرکت داشتند و از اولین شاگردان آن مرحوم به شمار می‌رفتند. و بـاز هر دو بزرگوار تابسـتان‌ها به اصفهان می‌رفته و پای درس نهج‌البلاغه معلم اخـلاق و عرفان، مرحوم حاج میرزاعلی‌آقای شیرازی می‌نشستند. شیخ‌حسینعلی منتظری اصفهانی و شـیخ‌مرتضی مطهری خراسـانی آن‌چنان با هم یکی بودند که گاهی طلاب، منتظری را خراسانی و مطهری را اصفهانی صدا می‌کردند و به گفته آیت‌الله منتظری گاهی که نیاز مالی پیدا می‌کردیم دست در جیب یکدیگر می‌کردیم و بعداً به هم خبر می‌دادیم.

قبـل از انقلاب، آیت‌الله منتظری هـرگاه از زندان آزاد می‌شد مستقیماً به منزل ما می‌آمد، شاد و خندان و بدون هر گونه گله‌ای از سختی‌های زندان! معمولاً به ما بچه‌ها می‌گفتند چقدر انگلیسـی بلدید و شروع می‌کردند به احوال‌پرسی به زبان انگلیسی. گاهی آیه قرآن یا حدیث مـی خواند و معنـی آن را از ما می پرسـید. هر وقت خواهر کوچک ما را می‌دید، می گفت این عروس من است. شهیدمحمد منتظری نیز زیاد به منزل ما می‌آمد و به همین جهت یک بار ساواک به صورت دسته‌جمعی و مسلحانه به منزل ما هجوم آورد برای بازداشت او، اما خوشبختانه در آن‌جا نبود. گاه که آیت‌الله منتظری تبعید می‌شـد آیت‌الله مطهری به هر وسیله ممکن خود را به تبعیدگاه می‌رساند و به دیدارش می‌شتافت، هم‌چنان که در جریان بازداشت آیت‌الله مطهری در قیام ۱۵ خرداد ٤۲ آیت‌الله منتظری آرام و قرار نداشت. چند سال پیش در روزهـای آخر حصر آیت‌الله منتظـری با دریافت مجوز به دیدن ایشـان رفتـم. اولین جمله‌ای که به من گفـت این بود؛ علی، دیدی با من چه کردند؟! دلم فرو ریخت، گفتم اگر شـهیدمطهری بود این‌طور نمی‌شد. سـخن مرا تأیید کرد و یک ساعت و نیم با من درددل کرد. از وضع خودش در آن سـال‌ها و از خاطراتش با شهیدمطهری گفت. از جمله مسأله رابطه شهیدمطهری با آیـت‌الله بروجردی و کدورتی را که میان آن‌ها پدید آمده بود خوب و دقیق توضیح داد و جزئیات حوادث در خاطرش بود.

که: ... ادامه در ستون مقابل

دریغ از بزرگی که قدرناشناخته ماند!

ادامـه از سـتون مقابل: هر چند قصـد رنجاندن امام راندارند، اما حتی برای یک روز هم که شـده از گفتن حقایـق و واقعیت هاخودداری نخواهند کرد! اکنون او که ازاسـطوره‌های عالم روحانیت در دوران مبارزه بود و پس از گذشـت آن همه سـال، باز در اثر شوک‌های برقی که شکنجه‌گران ساواک به ایشان وصل می‌کردند حالت غش و بی‌هوشـی به او دسـت مـی‌داد به امام وشـهیدش محمد پیوست؛ هم او که در کربلای هفتم تیر به خیل شهیدان انقلاب پیوست و در این ۲۸سال، انتسابش به پدر مرجعش باعث شد در رسانه‌های ملی و غیرملی ما کم‌ترین تبلیغات در باره مقام و منزلت او انجام شود تا آن‌جا که گویی محمد عزیز، جزو شهیدان هفتم تیر نبوده است! نمی دانم دیشب در دیدار این پدر و پسـر با هم چه گذشته است! اما شک ندارم آیت‌الله منتظری شادی بی‌حد و اندازه‌ای داشته است.او اکنون از میـان ما رفت و اینک ماییـم و آزمونی بزرگ که با تمام اختلافاتی که بزرگان ما با ایشـان داشـتند با او و مراسم تشـییع ودفن او چه خواهند کرد. پیام تسلیت رهبری حجتی اسـت بر بعضی‌ها که هنوز می‌خواهند لابد درحمایت از رهبری بر طبل کینه خود با این ثمره عمر امام بکوبند. دعا می‌کنم حداقل از این آزمون پیروز و سربلند بیرون بیایند!

بعدالتحریر!

۲٤ سـاعت از اعلام ارتحـال آیت‌الله منتظـری دارد می‌گـذرد، اماهنوز از سـوی آقـای احمدی‌نژاد هیچ عکس‌العملـی در ایـن زمینه من ندیـده‌ام .اگرخدای ناکـرده!! آقای هوگو چاوز از دنیا می‌رفت ایشـان در اولین سـاعات بیانیه می‌داد و با خانواده متوفی، تلفنی اظهار هم‌دردی می‌کرد و اگر خودش به کشور دوست و بـرادر ونزوئلا نمی‌رفت حتما هیأتی را می‌فرسـتاد. می‌بینید چقدر دینمان عین سیاسـتمان شده است؟! و برادران لاریجانی ودیگران از سـتاد نمازجمعه کشور که آن مرحوم از اولین کسـانی بود که امام به او حکم امامت جمعه تهران و قم رادادند و مجلس خبرگان که آن مرحوم روزی رئیس آن بود نیز هکذا! حضرت آقای هاشمی شما دیگر چرا؟!

بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به خردی برد!

مثل آفتاب... مثل باران

❖ جمیله کدیور ❖

در تاریـخ فرهنگ ما معمـولا داوری در باره اشخاص را به تأخیر می‌اندازند تا مرگش فرا رسـد. پس از مرگ، نوبت به داوری حیات و عملکرد و اندیشه افراد فرا می‌رسد... آیت‌الله منتظری نیز ازین قاعده مسـتثنی نبود؛ با این تفاوت کـه او در زمان حیات نیز در معرض داوری و قضاوت قرار گرفت و از این داوری سربلند خارج شد. درگذشت آیت‌الله العظمی منتظری، یک‌بـار دیگر ، ایـن فقیه، سیاسـتمدار، نظریه‌پرداز و حکیم وارسـته را در معرض داوری مردم ایران و دنیا قرار داد؛ به گونه‌ای که عاطفه یک ملت بزرگ، با تمام احساسات برای قدردانی از او تجسم یافت. علی‌رغم تمام سوءتبلیغ‌ها در این سال‌ها، علی‌رغم حصر خانگی، علی‌رغم هتاکی های رسـمی و غیررسمی در سطوح مختلف، علی‌رغم تمام جفاهایی که بر این پیر رنجور وارد شد و در یک کلام علی‌رغم تمام نامردمی‌ها، قلبی کـه تا آخرین لحظه با مردم و برای مردم تپید، در رنج آن‌چه دید، آرام گرفت. شعارهای مردم در این دو روز نشانی ساده از وجدان عمومی جامعه بود: [...] «منتظری زنده است، مرجع پاینده اسـت»... آسان نیست، بلکه محال به نظر می‌رسد که فردی ۸۷ سال زندگی کند و در تمام عمرش دروغ نگوید، ریا نکند، کسی را فریب ندهد، به خاطر مصلحتی، حقیقت را فدا نکند، در اوج قدرت، ساده‌زیسـت بماند و با کمال استغنا به قدرت پشت کند... سخن گفتن از صداقت و تقوا و حقیقت آسان است، اما عمل به آن دشوار. برخلاف مدعیانی که همـه روزه دیگران را توصیه به تقوا می‌کنند وخود بر مـدار دروغ و باطلند، او نمونه تقوا در گفتار و کردار و در تمام طول حیات خود بود. آیت‌الله منتظری به آن‌چه می‌گفت ایمان داشت و به همان سخنان عمل می‌کرد. [...] ساده و صمیمی بود. هیچ‌گاه رفتار او، آهنگ صدای او و ادبیـات او طی این مدت، چه آن زمان که در متن قدرت بود و چه آن زمان که به حاشیه رفـت، تغییری نیافت. ثابت بر اصولی که باور داشـت، استقامت کرد، حتی به بهای از دست رفتن هرآن‌چه که در چشم دنیابینان ارزش تلقی می‌شد. خداوند وعده داده است که اگر انسانی مؤمـن بود، خداوند مهر آن فرد را در دل مردم قرار می دهد: «والذین آمنوا سیجعل لهم الرحمن ودا...» وقتی زندگی آیت‌الله منتظری را مرور می‌کنیم، می‌بینیم که در عمر بلند و با برکتش، همواره در اندیشه سربلندی دین، حفظ حرمت مردم، اجـرای قانون، تأمین آزادی و حقوق بشـر بود. اخیرا مبنایی را به عنوان شـناخت حقوق انسـان مطرح کرد که به تعبیر یکی از شاگردان ایشان می‌تواند مبنای دگرگونی در فقه و حقوق بشر از زاویه اسـلامی باشد. ایشان مطرح کردند که در اسلام، مبنا حقوق بشر است و نه حقوق مؤمنان. پیداست ایشان چنین مبنایی را از عهدنامه امیرمؤمنان علی(ع) به مالک اشـتر اتخاذ کرده‌اند. در آن‌جا امام علی(ع) به حقوق انسـان توجه دارند. این مبنا برای آیت‌الله منتظری تنها یک مبنای نظری نبود. بر اساس این مبنا او همواره نگران همه آنانی بود که حقوقشان تضییع شده است، آن‌ها که همواره در حاشـیه بودند، اقلیت‌ها، زندانیان، متهمان، خانواده‌های آنان و بیش از همه در اندیشـه خانواده‌ها به‌ویژه خانواده زندانیان سیاسـی بـود. در این چند ماه گذشته دغدغه همواره‌اش همین بود...او پناهی بود برای تمام بی‌پناهان؛ آفتاب مهرش و طراوت روحش، همه را شامل می‌شد. برای همین ، این اشک‌ها و حسرت‌ها، این ماتم مردم و این خیل عظیم تسلیت‌گویی از طیف‌ها و گروه‌های مختلف، از چهره‌های سیاسی و مذهبی، از درحاشیه‌ترین و رانده شده‌ترین اقشار جامعه؛ از عمق وجدان عمومی مردم بر